یادداشت

۱۹ دی الگوی حضور و نقش آفرینی مردم در صحنه

سیدعبدالله متولیان
کارشناس سیاسی

رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم قم (به مناسبت حماسه ۱۹ دی) از الگوی حضور و نقش آفرینی مردم در صحنه در قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و ۱۹ دی ۵۶ و سایر صحنه‌های انقلاب در ۴۵ سال گذشته به عنوان معجزه حضور مردم یاد کرده و خنثی شدن توطئه‌های دشمنان را نتیجه این حضور دانسته و بر تلاش بر افزایش توانمندی معرفتی مردم برای حضور پررنگ در انتخابات پیش رو تأکید کردند.

قیام مردم قم در نوزدهم دی ۵۶، نه یک حادثه عادی بلکه یک حادثه تحولی بزرگ و یک روز تاریخ ساز بود که باید زنده نگه داشته شود. زنده نگه داشتن حوادث تحولی تاریخ یک وظیفه مهم و همگانی است. راهبرد جبهه حق بر اساس منطق قرآن کریم زنده نگه داشتن حوادث تحولی بزرگ و ایام‌الله، و راهبرد جبهه باطل تلاش برای جلوگیری از زنده نگه داشتن ایام‌الله و روزهای بزرگ و تاریخ ساز است.

۱۹ دی نمونه یک کار جهادی خالصانه است که اگر چه در آن روز، مردم قم بدون توجه به نتیجه آن و تنها بر اساس احساس تکلیف به میدان آمدند اما الگوی تکلیف مداری و ریشه رویش‌های انقلابی در سال ۱۳۵۶ شده و درخت انقلاب اسلامی بر روی روز تاریخی ۱۹ دی رشد و نمو کرده و به بار نشست. حرکت مردم قم در روز ۱۹ دی حداقل واجد چند ویژگی عبرت آموز مشتمل بر «بصیرت و دشمن شناسی»، «وقت شناسی و سرعت حضور در صحنه»، «شجاعت و نترسیدن از تهدیدها و خطرات احتمالی» و «تکلیف مداری» برای حراست از انقلاب اسلامی در برابر تحرکات دشمنان مردم و کشور است.

مهمترین درسی که از حماسه ۱۹ دی‌ماه مردم قم می‌توان گرفت این است که باطل‌السحر همه دسیسه‌ها، توطئه‌ها و برنامه ریزی‌های دشمنان و بدخواهان ملت ایران و برهم زنندگان امنیت کشور، حضور نقش آفرین مردم در صحنه است. طی ۴۵ سال پس از انقلاب هر جا که مردم به میدان آمده و با نقش آفرینی خود معجزه دشمن بیرونی و پیاده نظام دشمن در داخل، طعم تلخ شکست مفتضحانه را چشیده‌اند.

از ۱۵ خرداد ۴۲ که مردم در اعتراض به دستگیری امام راحل پا در میدان گذاشته و شهید دادند، تا امروز که در دفاع از مکتب شهید سلیمانی در کرمان در عملیات تروریستی دشمن جرار در خون خود غلتیدند، عامل اصلی پیروزی در هر صحنه‌ای و علت‌العلل خنثی شدن توطئه‌ها و شکست برنامه‌ریزی‌های دشمن، حضور معجزه آفرین مردم در صحنه بوده است. از همین رو است که نظام سلطه غرب، پس از شکست از ملت ایران در جنگ تحمیلی، ۳۵ سال است که در نبرد میکروپلتیک میل‌ها و در جنگ شناختی، راهبرد از میدان خارج ساختن مردم از صحنه را در دستور کار قرار داده است. دشمن از حضور مردم در همه روزهای تاریخی و تحول‌ساز و ایام‌الله، به شدت عصبانی است و راه چاره را دوقطبی سازی، سیاه نمایی، ناامید کردن و دلسرد کردن و بی‌اعتمادی مردم به نظام و تلاش برای از میدان بیرون ساختن مردم از صحنه و گرفتن بزرگترین نقطه قوت نظام یافته است.

و اینک انتخابات مجالس شورای اسلامی و خبرگان رهبری میدان تقابل و هماورد دو راهبرد شده است. از یک سو دشمن با تکیه بر ظرفیت امپراتوری رسانه‌ای خود به ویژه ظرفیت دنیای مجازی با راهبرد دلسرد کردن مردم از حضور در صحنه انتخابات به میدان آمده و از سوی دیگر مردم دلیر، بصیر و انقلابی ایران مثل همیشه با راهبرد اتحاد و همدلی برای حضور در انتخابات آماده می‌شوند. طبیعی و بدیهی است که در هماورد، دشمن به امواج فتنه برای تضعیف توانمندی معرفتی مردم و بی‌فروغ ساختن چراغ انتخابات دل بسته است.

تجربه ۴۵ سال گذشته به عیان نشان داده که تلاش دشمن برای دوقطبی‌سازی و دلسرد ساختن و ناامید کردن مردم از نظام، تلاشی مدبوحانه و نافرجام بوده و نتیجه عکس داده و موجب احساس مسئولیت بیشتر مردم شده است. و اما نکته‌ای که هرگز نباید از آن غفلت شود تلاش مضاعف برخی احزاب سیاسی است که متأسفانه بقای خود و بازگشت به قدرت را در شکست رقیب از راه سیاه نمایی، بن‌بست نمایی، دلسرد سازی، به رخ کشیدن و برجسته‌سازی مشکلات و کمبودها و ناامید کردن مردم تعریف کرده‌اند. به تجربه می‌گوییم که اگر ساز مخالف از داخل کوک نشود بی‌شک تلاش دشمن بیرونی نتیجه عکس خواهد داد و موجب تقویت اتحاد ملی و استحکام بیشتر درونی خواهد شد. امروز همه نخبگان، صاحبان رسانه و قلم، دانشگاهیان، روحانیون، احزاب سیاسی، سربازان و افسران جهاد عظیم تبیین و روشنگری، علما، رسانه ملی و... و به طور کلی همه کسانی که دل در گروه امنیت ملی و سعادت ملت دارند، مکلف‌اند در مسیر افزایش توانمندی معرفتی و تقویت اتحاد ملی، مردم را به میدان انتخابات فراخوانده و داغ شکستی تلخ‌تر و سنگین‌تر شکست‌های پیشین بر پیشانی دشمن خارجی و دنباله‌های داخلی آنان حک کنند. این درسی است که از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و ۱۹ دی ۱۳۵۶ و از سیره امام خمینی می‌گیریم.

خبر آخر

افشای دروغ دیگری از اینترنشنال

محسن سراوانی ارتباطی با دفتر رهبر انقلاب نداشته است

بنا بر پیگیری‌ها فردی با نام محسن سراوانی ارتباطی با دفتر رهبر انقلاب نداشته و اساساً تا کنون پستی تحت عنوان «مشاور جوان» در دفتر رهبر انقلاب وجود نداشته است.

خبرگزاری فارس به نقل از یک منبع آگاه با تأیید اعدام فردی به نام محسن سراوانی به جرم جاسوسی، نوشته: وی نه تنها هیچ سمت و ارتباطی با دفتر رهبر انقلاب نداشته بلکه در سال ۹۸ به اتهام سوءاستفاده از عنوان دفتر مقام معظم رهبری و جعل امضا تحت تعقیب قرار گرفته و بازداشت شده است. این منبع افزود: بدیهی است عکس یک فرد با یکی از اعضای دفتر رهبر انقلاب که می‌تواند در برخی موقعیت‌ها اتفاق بیفتد به هیچ عنوان دال بر ارتباط آن فرد با دفتر یا حتی ارتباط خاص با آن عضو دفتر نیست.

شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال، که کمترین شائبه و شبهه‌ای در وابستگی به رژیم صهیونیستی ندارد، به تازگی گزارشی درباره محسن سراوانی با تیتر «جزئیات پرونده "مشاور بیت خامنه‌ای" که به اتهام جاسوسی برای اسرائیل اعدام شد» منتشر کرده است. در این گزارش از سراوانی با عنوان «مشاور جوان بیت رهبری» هم نام برده شده است.

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح:

جنایات رژیم صهیونیستی مانع سقوط آنها نمی‌شود

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با اشاره به اقدام جنایتکارانه تروریست‌ها در کرمان گفت: این گونه اقدامات هیچ تأثیری در جلوگیری از شرایط روبه سقوط آنها نخواهد داشت.

امیر محمدرضا آشتیانی، در گفت و گو با فارس، با اشاره به اقدام جنایتکارانه و تروریستی صهیونیست‌ها گفت: واقعیت این است که صهیونیست‌ها دارند دست و پاهای آخر خود را می‌زنند و با توجه جنایات سنگینی که اینها در جهان انجام دادند از نظر مردم دنیا کاملاً مطرود هستند. این‌ها با شکست‌های راهبردی و سنگینی که در منطقه خوردند رو به کارهای این چنینی آورند و دست به اقداماتی می‌زنند که هیچ جنبه عملیاتی ندارد.

خبر اول

توده مردم همه کاره‌اند نه نورچشمی‌ها

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در سالروز قیام تاریخی مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶ در دیدار هزاران نفر از مردم این شهر، با اشاره به قدرت بی‌نظیر نقش آفرینی مردم، حضور و پرچم‌داری ملت در هر عرصه و میدان را، راهبرد مؤثر و راهگشای امام خمینی و نظام اسلامی؛ و بی‌انگیزه کردن و بیرون کشیدن مردم از صحنه را، راهبرد دشمنان سرزمین پاک ایران به‌ویژه امریکا و صهیونیزم خواندند و تأکید کردند: هر کسی در هر جایی زبان گویا، اثرگذار و مخاطب دارد، باید با معرفت‌افزایی، مردم را به حضور در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر عرصه‌ها فراخواند.

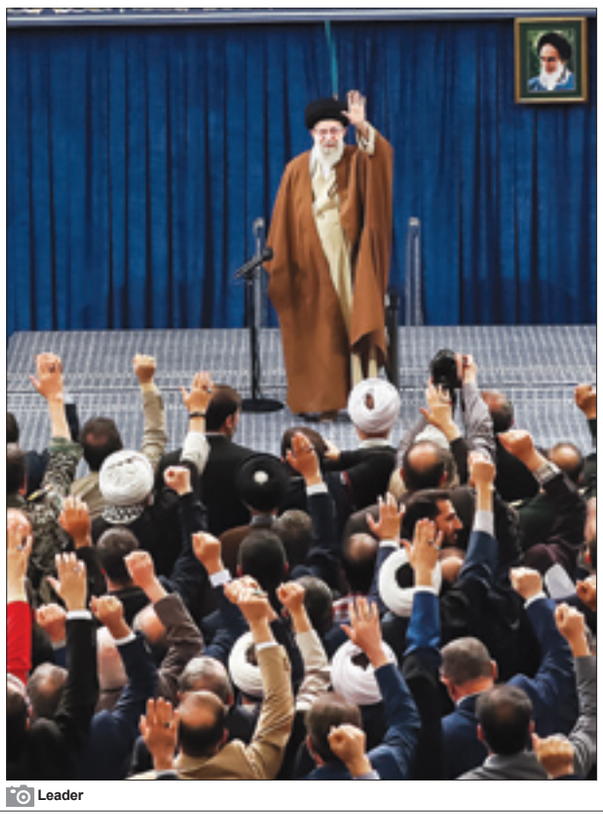

Leader

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، قم را شهر قیام و معرفت و جهاد نامیدند و با اشاره به درس‌های ماندگار قیام خودجوش مردم مؤمن این شهر در ۱۹ دی ۱۳۵۶، گفتند: این حادثه عظیم که در اعتراض به اقدام رژیم وابسته در انتشار مقاله‌ای موهن نسبت به امام خمینی صورت گرفت، اثبات قدرت نقش آفرینی مردم در حوادث بزرگ است. ایشان، غزه را مصداقی عینی از این قدرت عظیم مردم دانستند و گفتند: گروه کوچکی از مردم در زمینی کوچک، امریکا با آن همه ادعا و رژیم صهیونیستی آویزان به امریکا را با قدرت صبر و ایستادگی خود، عاجز کرده‌اند.

رهبر انقلاب، سرنگونی رژیم وابسته و ظالم طاغوت را در فاصله حدود یک‌سال از قیام جریان‌ساز مردم قم، نتیجه ملموس حضور مردم در صحنه برشمردند و گفتند: این درس بزرگ را، امام بزرگوار در سال‌های ۴۱ و ۴۲ با حرف و عمل به ملت آموخت و نشان داد که حضور مردم در میدان معجزه‌آفرین است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تکیه بر توده‌های مردم را انتخاب راهبردی امام در قبال روش‌های رایج سیاسی از جمله نشست‌وبرخاست با احزاب و چهره‌های سیاسی دانستند و افزودند: امام در ۱۲ خرداد ۴۲ در فیضیه به میدان آمد، مردم را هم به میدان آورد و پرچم را به دست آنها داد که قیام مردم در ۱۵ خرداد ۴۲ در تهران، قم و ورامین و شهرهای دیگر، پاسخ ملت به این دعوت بود. ایشان قیام خودجوش ۱۹ دی مردم قم را هم پاسخی به درس امام برای حضور همیشگی در میدان برشمردند و گفتند: تکیه بر مردم البته درس امیرمؤمنان است که در نهج‌البلاغه می‌فرماید توده‌های مردم تکیه‌گاه دین، بدنه اصلی جامعه و ذخیره روز رویارویی با دشمن هستند.

■ مردمداری نقطه اصلی سیاست‌های نظام

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با انتقاد از کسانی که حضور رئیس‌جمهور در میان مردم را «پوپولیسم» می‌خوانند، گفتند: مردمداری نقطه اصلی سیاست‌های نظام است؛ البته کیفیت کار کردن با توده‌های مردم هنر بزرگی است که باید در آن تأمل و تعمق کرد.

رهبر انقلاب، «جهت‌دهی دقیق» و «توان‌بخشی معرفتی» را دو لازمه کشاندن مردم به میدان مبارزه و ایستادگی برشمردند و گفتند: هدف از دعوت مردم به حضور، حاکمیت اسلامی، عزت اسلامی، صلاح کامل و اعتلای ملت و مقابله با استکبار است. ایشان معرفت‌افزایی مردم را وظیفه اندیشمندان، استادان، روشنفکران، طلاب و دیگر قشرهای مؤثر در افکار عمومی خواندند و گفتند: امریکایی‌ها با ساده‌اندیشی و محاسبات غلط به همراه دلبستگانشان بعد از ۴۵ سال همچنان در حال توجیه چهره رژیم منحوس و وابسته‌ای هستند که در ۲۲ بهمن ۵۷ با لگد ملت از این خاک پاک به بیرون رانده شد.

رهبر انقلاب با بیان دخالت مستقیم انگلیس در روی کار آمدن رضاخان افزودند: این عنصر دست‌نشانده به کمک عوامل انگلیس بعد از چند سال شروع به استحاله فرهنگی ملت کرد که «کشف حجاب، تعطیلی حوزه‌ها و مراسم عزاداری» و اقدامات مشابه او را باید با این چشم نگاه کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به دخالت انگلیس در روی کار آمدن محمدرضا و کودتای مشترک امریکا و انگلیس برای بازگرداندن شاه فراری به قدرت در سال ۱۳۳۲، افزودند: رژیم طاغوت اول، وسط و آخرش با کمک بیگانگان روی کار آمد و به حیات ننگینش ادامه داد و در مقابل این کمک‌ها، نه تنها نفت ایران بلکه عزت و دین و شرف ملت را هم به بیگانگان فروخت اما حالا بعضی‌ها درصدد توجیه آن رژیم فاسد هستند.

■ سیاست استکبار بیرون کشاندن مردم از صحنه است

رهبر انقلاب اسلامی در ادامه سخنان‌شان به تبیین راهبرد جبهه استکبار و استثمار در ایران پرداختند و افزودند: امریکا و رژیم صهیونیستی در نقطه مقابل راهبرد امام برای آوردن مردم به وسط میدان و سپردن پرچم تلاش و مبارزه به آنها، سیاست کلان «بیرون کشاندن مردم ایران از صحنه» را به کار گرفته‌اند و امروز هم در نهایت رذالت با روش‌های مختلف، این سیاست را پیگیری می‌کنند. ایشان، تلاش برای کوچک شمردن حضور مردم در مناسبت‌های مهم را یکی از ترفندهای دشمن برای خارج کردن مردم از صحنه دانستند و گفتند: تمسخر راهپیمایی اربعین، تردیدافکنی درباره احترام مردم به سردار بزرگ ایران و منطقه و همچنین ایجاد تردید در زمینه حضور با عظمت مردم در جشن‌های مذهبی مانند نیمه شعبان از نمونه‌های سیاست راهبردی دشمن برای بیرون آوردن مردم از میدان است.

رهبر انقلاب افزودند: علت این دشمنی آن است که فهمیده‌اند عامل پیشرفت و عزت‌یابی ایران و مطرح شدن آن به‌عنوان یک قدرت شاخص در منطقه و ایجاد عمق راهبردی بی‌نظیر برای نظام یعنی نیروهای مقاومت در سراسر منطقه و شکست همه توطئه‌ها از کودتا و جنگ تحمیلی تا توطئه‌های امنیتی، حضور مردم ایران در صحنه است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: البته در جایی که به هر دلیل مانع حضور مردم در صحنه شده‌اند، دشمن خرسند شده است که خیلی از بخش‌های اقتصادی همین‌طور است. ایشان از دیگر شگردها برای خارج کردن مردم از صحنه را تلاش رسانه‌های بیگانه برای مأیوس کردن مردم و به‌خصوص جوانان از آینده دانستند و گفتند: تعمیم یا بزرگ‌نمایی نکات منفی، ترویج بی‌فایده بودن حضور در فعالیت‌های سیاسی و انتخابات، و به رخ کشیدن کمبودها و سختی‌های اقتصادی از جمله فعالیت‌های تبلیغاتی آنها است.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: البته بدون شک، مشکل اقتصادی داریم و ضعف‌های گوناگونی هم بوده و ادامه پیدا کرده است که اگر تحقیق و دقت شود، بیشتر این ضعف‌ها هم ناشی از حضور نداشتن مردم بوده و در عرصه‌های حضور مردم، ضعف‌ها کمتر است. ایشان «ترساندن از قدرت‌ها و از امریکا و رژیم صهیونیستی» را ترفندی دیگر برای بیرون راندن مردم از میدان دانستند و گفتند: اگر قرار بود ملت ایران از فلان قدرت بترسد، جمهوری اسلامی دیگر وجود نداشت ضمن اینکه امروز خیلی از قدرت‌هایی که داعیه‌دار تسلط و خدایی بر منطقه بودند، از ملت ایران می‌ترسند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ابزار دیگر بیگانگان برای خارج کردن مردم از صحنه را «بی‌اعتقاد کردن مردم به عوامل حضور، شجاعت و قدرت» خواندند و گفتند: در رأس عوامل قدرت‌آفرین، ایمان دینی و تشرّع است و تلاش و تبلیغات دشمن با هدف تضعیف این عوامل انجام می‌شود. ایشان افزودند: به قضیه حجاب و امثال آن باید با این نگاه توجه و کار کرد که مسئله صرفاً ناآگاهی عده‌ای از موضوع حجاب نیست، بلکه عده کمی با انگیزه مخالفت و معارضه این کارها را می‌کنند. «ایجاد اختلاف و دوقطبی کردن مردم» به نحوی که موضوع از اختلافات دوستانه خارج و به محکوم کردن هر حرفِ ولو خوب طرف مقابل منجر شود، شگرد دیگری برای خالی کردن میدان از حضور مردم بود که رهبر انقلاب پس از تبیین آن گفتند: راه مقابله با این نقشه‌ها، حضور مردم در مسائل سیاسی، اقتصادی، انتخابات و حتی مسائل امنیتی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: در زمینه مسائل امنیتی مردم می‌توانند با شناسایی عوامل دشمن به دستگاه‌های امنیتی کمک کنند، همچنان که تاکنون خیلی از مشکلات امنیتی با کمک مردم برطرف شده و دستگاه‌ها از وقوع فجایعی مشابه حادثه کرمان پیشگیری کرده‌اند که شاید بتوان گفت میزان خنثی‌سازی توطئه‌ها ده‌ها برابر چیزی است که اتفاق می‌افتد.

ایشان ترویج حضور و نقش آفرینی مردم به‌عنوان رکن مهم اداره صحیح کشور و لازمه قطعی دستیابی انقلاب به اهداف را نوعی تواصی به حق و وظیفه هر صاحب صدا و منبر برشمردند و افزودند: عالم دینی، مرجع، روحانی، استاد دانشگاه، هنرمند، مدیر، مسئول سیاسی، صداوسیما، و همه وظیفه دارند مردم را به حضور در میدان و ایستادگی در آن ترغیب کنند البته وظیفه مسئولان حکومتی سنگین‌تر است چراکه مردم آماده‌اند و باید زمینه را برای حضور آنها آماده کرد.

رهبر انقلاب، اجتماع عظیم مردم در چهارمین سالگرد شهادت سردار سلیمانی، حضور مردم در راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن و روز قدس و اجتماع در ایام‌الله همچون سالروز ۹ دی را نشانه‌های بارز آمادگی مردم برای حضور در میدان دانستند و گفتند: مردم در سالروز شهادت سردار پر افتخار از راه‌های دور برای زیارت به کرمان آمدند و با وجود آن اتفاق فاجعه‌بار، فردا همان اجتماع مردمی با همان شدت و قدرت و انگیزه ادامه یافت. این یعنی مردم آماده هستند و ما مسئولان باید زمینه را برای حضور آنها آماده کنیم.

■ عوامل واقعی و پشت پرده قضیه کرمان را سرکوب خواهیم کرد

ایشان در خصوص قضیه اندوهبار کرمان خاطرنشان کردند: این فاجعه به معنی واقعی ملت ما را مصیبت‌زده کرد، البته ما اصراری نداریم که این و آن را متهم کنیم اما اصرار داریم عوامل واقعی و پشت پرده موضوع را شناسایی و آنها را سرکوب کنیم که ان‌شاءالله مسئولان محترم که به طور جدی مشغول کار هستند، بتوانند عواملی را که در این جنایت دخالت داشتند و پشت آن بودند، به سزای اعمالشان برسانند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش پایانی سخنانشان، موضوع غزه را مورد توجه قرار دادند و با اشاره به تحقق تدریجی پیش‌بینی‌های روشن‌بینان در این موضوع گفتند: پیش‌بینی می‌شد که پیروز این میدان، مقاومت فلسطین است و آنکه شکست خواهد خورد، رژیم خبیث و ملعون صهیونیستی است که امروز این پیش‌بینی در حال تحقق است. ایشان، سه ماه جنایت و کودک‌کشی صهیونیست‌ها را حادثه‌ای فراموش‌نشدنی در تاریخ دانستند و افزودند: حتی پس از نابودی و پاک شدن این رژیم از روی زمین، این جنایات فراموش نمی‌شود و در تاریخ خواهند نوشت روزی، عده‌ای در این منطقه به حکومت رسیدند که در طول چند هفته هزاران کودک را به قتل رساندند، اما صبر مردم و ایستادگی و مقاومت فلسطینی، آنها را وادار به عقب‌نشینی کرد.

رهبر انقلاب در تبیین نشانه‌های شکست و ناکامی رژیم صهیونیستی پس از حدود ۱۰۰ روز جنایت، خاطرنشان کردند: آنها گفته بودند حماس و مقاومت را از بین می‌بریم و مردم غزه را منتقل می‌کنیم که نتوانستند و امروز مقاومت، زنده و سرحال و آماده است، در حالی که رژیم صهیونیستی، خسته و سرافکنده و پشیمان است و داغ باطل جنایتکار به پیشانی آن خورده است. ایشان این هماوردی را یک عبرت دانستند و گفتند: این عبرت نشان می‌دهد باید خط ایستادگی در مقابل ظلم، زور، استکبار و غصب دنبال شود و مقاومت همچنان خود را به روز و آماده نگه دارد و از ترفند دشمن غافل نماند و به یاری خدا هر جا امکان داشت به دشمن ضربه وارد کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: ان‌شاءالله روزی فراخواهد رسید که ملت ایران و ملت‌های مسلمان، غلبه صبر و ایستادگی و توکل به خدا بر دشمنان و شیاطین عالم را به چشم ببینند.

نمای نزدیک

■ امام به جای نشست و برخاست کردن با احزاب و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و شخصیت‌های سیاسی معروف پرمدعا با مردم نشست.

■ امیرالمؤمنین در فرمان به مالک اشتر فرمود: «و إنما عماد الدین و جماع المسلمین و عُدّه للأعداء، العامّه من الأمّه». عمادالدین یعنی تکیه‌گاه دین. امیرالمؤمنین به ملّت خودش می‌فرماید، خطاب به ما هم هست. خیلی خب. جامعه اسلامی هستید، تکیه‌گاه اسلام‌تان امت‌اند بدنه مردم‌اند. والعدّه الاعداء.

■ این ذخیره در مقابل دشمن اینها کی هستند، العامه من الامه. یعنی توده مردم. من یک وقتی یک تکه‌هایی از نامه را مطرح کردم برای مسئولین چند سال قبل از این. که آنجا حضرت مقایسه می‌کند بین خاصه و عامه. خاصه یعنی نورچشمی‌ها. عامه یعنی توده مردم. بیانات عجیبی درباره خاصه ذکر می‌کند، بیانات عجیبی درباره عامه توده مردم ذکر می‌کند. تکیه حضرت به این است که به توده مردم تکیه کنید. به توده مردم. وقتی یک رئیس جمهوری با توده مردم انس می‌گیرد حرف می‌زند کار می‌کند بین آنها، می‌رود در دل مردم، یک عده‌ای از آنجا بلند می‌شوند می‌گویند این پوپولیسم است. اهانت می‌کنند. نه، این مردم‌داری است. این نشان گرفتن نقطه اصلی است. توده مردم همه کاره‌اند.

ویژه

آیا هاشمی قدرت ذاتی نداشت؟!

در سالروز درگذشت مرحوم هاشمی رفسنجانی، حسین مرعشی از همکاران و علاقه‌مندان او طی یادداشتی در روزنامه سازندگی از قدرت ناکافی هاشمی رفسنجانی برای زدن حرف آخر در کشور نوشته و بابت این موضوع تأسف خورده که هاشمی هیچ‌گاه نفر اول نبوده است!

حسین مرعشی، دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی است که این حزب را می‌توان حزب مریدان و نیروهای هاشمی و به شکلی مولود غیرمستقیم او دانست. مراد همیشگی این حزب همیشه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بوده و اعضای این حزب اغلب با نگاهی اغراق آمیز و احساسی در مورد او صحبت می‌کنند.

مرعشی در یادداشتی که در ارگان رسمی این حزب یعنی روزنامه سازندگی نوشته، با اشاره به مسئولیت‌های بزرگ هاشمی در ایران، آورده که «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در هیچ مقطعی از مقاطع مدیریتی و حضورشان در صحنه‌های سیاسی و اداری کشور، دست‌شان باز نبوده است تا بتواند منویات خودش را به طور کامل اجرا کند. آقای هاشمی در این دوران طولانی هیچ‌وقت نفر اول نبوده تا بتواند، حرف آخر را در کشور بزند لذا از این جهت هم برای آقای هاشمی تأسف می‌خورم که به‌رغم مسئولیت طولانی‌ای که داشتند اما قدرت کافی برای اجرای منویاتش نداشت و بالاتر از آن برای ایران تأسف می‌خورم که نتوانست یکی از شخصیت‌های کم‌نظیر تاریخ خودش با این همه استعدادهای فراوان و ایده‌های بلند برای ایران، موفق نشد که این را داشته باشد.»

هاشمی چگونه باید نفر اول می‌شد؟ کاش مرعشی جواب این سؤال را واضح می‌نوشت!

از سویی، این بازی که ما قدرت نداشتیم و نگذاشتند کار کنیم دیگر خیلی مبتذل شده است. باز هم البته مرعشی حرفش را صریح زده و توضیح داده که منظورش از نداشتن قدرت کافی، «نفر اول نبودن» است، نه اینکه کل قدرت جایگاه ریاست جمهوری و سایر مناصب را تکذیب کند و مثل خاتمی بگوید رئیس جمهور تداکارتچی است! شاید منظور خاتمی هم همین چشمداشت به نفر اولی بوده و باقی سطوح قدرت را هیچ دانسته است! البته که حدود اختیارات رئیس جمهور و همه مناصبی که هاشمی داشته و بسط ید هم داشته، روشن است و بعید است افکار عمومی فریب این بازی بی‌اختیاری را بخورند.

جالب اما سخنان چند ماه قبل مرعشی در برنامه جهان‌آرای شبکه افق است در مورد اینکه می‌خواهد نماینده مجلس بشود یا نه؛ سخنانی در مورد قدرت خودش و اعضای حزبش که همین یادداشت او را نقض می‌کند. مرعشی در آن برنامه گفت: «من همین الان که اینجا نشستم، به اندازه چند نماینده مجلس قدرت دارم. قدرت گرفتنی نیست، قدرت ذاتی است. قدرت من در فهم و درک من است، در مسئولیت پذیری من و در همراهی با مردم است. همین الان ممکن است روزی ده تا نماینده مجلس برای کارشان به من مراجعه کنند و از من مشورت بخواهند. مگر من نیاز به قدرت نمایندگی مجلس دارم؟ من به اعضای حزب گفته‌ام که عضو کارگزاران که برای کار کردن نیاز به قدرت رسمی داشته باشد، به درد نمی‌خورد. ما همین که می‌توانیم راه برویم، اندازه یک وزیر قدرت داریم!» کاش مرعشی در زمان حیات مرحوم هاشمی به ایشان توضیح می‌داد که چگونه قدرتی بیشتر می‌توان کسب کرد!

یادداشت

علیرضا سجادیفر

فاتحان کربلای ۵ انتخابات را رها نخواهند کرد

روز گذشته سالروز عملیات کربلای ۵ بود. این عملیات از نقاط برجسته تاریخ دفاع مقدس و از بزرگ‌ترین عملیات‌های رزمندگان اسلام در طول جنگ تحمیلی بود که در ۱۹ دی ۱۳۶۵ با رمز یا زهرا در منطقه شلمچه و شرق بصره انجام شد.

عملیات کربلای ۵ در واقع آغازی بر پایان قدرت‌نمایی عراق بود که دو هفته پس از عدم‌الفتح کربلای ۴ در اوج غافلگیری بعثی‌ها و با نبرد جانانه رزمندگان و تدبیر و هوشمندی فرماندهان دلاور دفاع مقدس از قبیل شهیدان خرازی، دقایقی، کاظمی و حاج قاسم سلیمانی و درس‌هایی که از کربلای ۴ گرفته شد، انجام گرفت. شهید حاج قاسم سلیمانی آن روزها در قامت فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله کرمان در عملیات‌های والفجر ۸ و کربلای ۴ با لشکرش حماسه‌های بی‌نظیری خلق کرده بود؛ آن سردار دلاوری که پس از دفاع مقدس هم برای خدمت به مردم و مظلومان، زمان و مکان نمی‌شناخت و هر جایی که مردم به کمک نیاز داشتند به سرعت در آن منطقه حضور می‌یافت. این روحیه در کنار اقدامات او در قامت فرمانده سپاه قدس در جبهه مقاومت سبب شده بود که نه تنها مردم ایران بلکه میلیون‌ها نفر از مردم کشورهای مختلف به این سردار بزرگ عشق بورزند و او سرافراز میدان‌های دفاع مقدس و جبهه مقاومت شد. او در هر جایی حضور یافت دینش را به دین و کشورش ادا کرد.

مردم عزیزمان اگر آن روز در کربلای ۵ و سراسر جبهه‌های دفاع مقدس در عرصه نبرد حاضر شدند و تا پایان جنگ چون سدی عظیم در مقابل دشمن تا بن دندان مسلح و ماشین جنگی‌اش ایستادند، به عشق حاج قاسم‌ها و مرام‌شان و پیروی از ولی زمان‌شان بود و امروز هم به تأسی از ولی امر زمان، شهدای دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم در صحنه‌های گوناگون انقلاب از قبیل راهپیمایی‌ها، انتخابات و تشییع شهدای مفقودالاثر دفاع مقدس و جبهه مقاومت حضوری فعال دارند و پیرو مکتب حاج قاسم هستند.

حضور مردم در مراسم سالگرد سردار دل‌ها و شهادت و مجروحیت شماری از مردم همیشه در صحنه کشورمان، از زن و پیر و مرد و جوان و دانش‌آموزان، در حادثه تروریستی کرمان و حضور پرشمارتر در تشییع شهدای این حادثه نشان داد که مردم ما به «ما ملت شهادتیم؛ ما ملت امام حسینیم! بپرس؛ ما حوادث سختی را پشت سر گذاشته‌ایم. بیا! ما منتظریم. مرد این میدان ما هستیم برای شما. شما می‌دانید این جنگ یعنی نابودی همه امکانات شما. این جنگ را شما شروع می‌کنید، اما پایانش را ما ترسیم می‌کنیم.... از اول انقلاب تا حالا در همه صحنه‌ها ما با تمسک به همین فرهنگ امام حسین همه پیروزی‌های‌مان را و تضمین پیروزی‌های‌مان را از این راه گرفتیم. این جبهه با تأسی به امام حسین و اهل‌بیت عصمت و طهارت و اصحاب او تربیت پیدا کرده است و امروز روز به روز یک تولد جدیدی پیدا می‌کند.»

حاج قاسم اعتقاد راسخ دارند. همو که در یکی از سخنرانی‌هایش که در یادواره شهدای مدافع حرم ایراد می‌کرد، در خصوص موضوع «عاقبت به خیری» فرموده بود: «برادران، رزمندگان، یادگاران جنگ، یکی از شئون عاقبت به خیری "نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب" است. والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت به خیری رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید، مهم‌ترین محور محاسبه این است.»

بی‌شک مردمی که در مراسم شهید سلیمانی و سایر مناسبت‌های ملی و مذهبی کشورمان شرکت می‌کنند، دغدغه سردار دلاور دغدغه‌شان است و شهدای کرمان و دفاع مقدس و مدافعان حرم درس ایثار و ولایتمداری را از حاج قاسم‌ها فرا گرفته‌اند و اگر می‌خواهیم عاقبت به خیر شویم، باید در راه و مرام شهدا باشیم و در صحنه‌های انقلاب و در انتخابات شرکت کنیم و بی‌شک دنباله‌روان شهدای سرنوشت‌ساز کربلای ۵ ولی زمان‌شان را تنها نخواهند گذاشت و دشمن را بار دیگر غافلگیر خواهند کرد.

سرمقاله

چند استدلال ساده علیه «توجیه شاه»

ادامه از صفحه یک

اداره جامعه سنتی که در دست شاه بود، با اداره این جامعه «همراه‌محور» فرق بسیار دارد. و نظام اسلامی می‌تواند مدعی شود که به‌رغم جاذبه‌های در دسترس همه فرهنگ‌های بیگانه که در جیب نوجوانان و جوانان قرار دارد و با یک لمس ساده، تمامی آن جاذبه‌ها برای او دیدنی می‌شود، کار بزرگی انجام داده که ایمان جوانان را تا این حد حفظ کرده که بتواند از دل آنان نیروهای فراوان وفادار به باورهای ایثار و شهادت، کادربندی کند. پس در مقام مقایسه کار بسیار مشکل می‌شود و این مسئله مهم سلطه فضای مجازی فقط یکی از صدها عامل جامعه‌شناختی تأثیرگذار است که رخدادهای انسانی را که می‌خواهند با کمک یک یا دو عامل، تحلیل شوند، غیرقابل تحلیل می‌کند. در رخدادهای انسانی، پیش‌بینی هم غیرممکن است، چون این رخدادها عرصه معلول‌های بسیار بزرگ از علت‌های بسیار کوچک است. و امری تقلیل‌پذیر نیست که با قابلیت ریاضی کردن آن بتوان از آینده حتی محتمل خبر داد.

۷- این مقایسه‌ها هرگز جواب نمی‌دهد زیرا فقط در یکی دیگر از عوامل یا فاکتورها، زمان بروز و ظهور باکری‌ها و همت‌ها، نه در زمانه شاه که در زمانه جنگ بود. اگر دوران شاه تداوم می‌یافت، چه‌بسا امثال آن دو شهید بزرگوار اصلاً دیده نمی‌شدند و در جامعه آن روز محو و هضم می‌شدند یا در گذر زمان تفاوت می‌کردند. این جنگ بود که آنان را به ظهور رساند. اکنون نیز زمانه توسعه و بورس و دلار و خودروی شاسی‌بلند و تبلیغات بی‌امان جهانی برای جذب نخبگان و عصر هیچ‌انگاری جهانی است. شیطان زمان شاه حداکثر تا حد مدل شلوار لی روی جوان وسوسه داشت اما شیطان این دوران برای خودش ترمیناتوری شده است که جنگ با آن هماوردی بزرگ می‌طلبد و اگر جوانان مؤمن بسیاری می‌بینیم که معتکف می‌شوند یا به راه همت و باکری می‌روند، کار بسیار بزرگ‌تری در مبارزه با آن شیطان کرده‌اند. دیدن این همه مظاهر توسعه و آن همه ایسم‌های متصل به نهیلیسم فراگیر جهانی و باقی‌ماندن بر باورهای مذهبی، یعنی فعلاً نمی‌توان از غلبه سکولاریسم سخن گفت. برعکس باید به قدرت نهان نهاد دین در جامعه اذعان کرد.

۸- شاه وابسته بود و انقلاب در واقع علیه غرب و امریکا و با شعار استقلال پیروز شد. غرب نیم قرن است کشوری را که می‌توانست سراسر فایده باشد، از دست داده و مقابل آن سراسر هزینه می‌کند؛ هزینه‌هایی برای تضعیف اقتصاد تا بر باورهای دینی اثر بگذارد تا بلکه دوباره به آن کشوری که یکسره سود و فایده برای غرب بود، دست پیدا کند. در چنین شرایطی چگونه می